

اسلام و لذائذ مادی

در شماره گذشته طی یک بررسی کوتاه از مفهوم دنیا باینجا رسیدیم که دنیا چیزی غیر از مجموع موادی که بشر از آنها استفاده میکند نیست و در این حقیقت هم اختلاف نظری وجود ندارد ولی آنچه که از قدیم الایام میدان تشمت آراء و اختلاف عقائد بوده همان کیفیت بهره برداری از مواد دنیا و مواهب زندگی است و از همین رهگذر شالوده اختلاف نظر ها پیرامون اصل سعادت انسان ریخته شده و فلاسفه یونان قبل از ارسطو چنین گمان کردند که اساس سعادت بشر در «فضائل نفسانی» میباشد و اگر یک انسان دارای این فضائل بود سعادت مند است و لوی اینکه بتمام بیماریهای جسمی مبتلا باشد (۱)

و مرتاضین که متأسفانه هنوز هم وجود دارند قدمی فراتر گذارده و در سعادت انسان شرط محرومیت و زجر جسم را گنجانیده و میگویند بهر نسبتی که تمایلات جسم سرکوب گردد و از لذائذ تن کاسته شود ، بهمان نسبت روح ترقی میکند و درجه سعادت انسان بالا میرود ! در صورتی که حقیقت غیر از این است چون انسان مجموعه ای از تمایلات مادی و معنوی میباشد و باید سعادت انسان را با توجه باین «مجموعه» ملاحظه کرد .

بدیهی است که هر یک از تمایلات فطری بشر سرکوب گردد بهمان اندازه سعادت انسان لطمه وارد میآید یعنی علاقه یک فرد بمواد زندگی که ریشه فطری و طبیعی دارد اگر بطور صحیح و معتدلی درمجرای بهره مند شدن از آن مواد بکار نیافتد قسمت مهمی از خوشبختی انسان تباه شده است و همچنین اگر مانند نیای کنونی سجایای معنوی و مزایای اخلاقی فراموش گردد و اصالت لذت و اولویت ماده و اقتصاد اساس سعادت و ملاک اصیل خوشبختی شناخته شود ، رکن دیگری از ارکان مهم سعادت ویران میگردد .

دکتر الکسیس کارل در کتاب خود مینویسد :

«ما امروز در جاده زمان بدون آنکه با احتیاجات اصلی جسم و جان خود توجه کنیم پیش

(۱) فان الانسان اذا حصل تلكه الفضائل لم يضره في سعاده ان يكون ناقص الاعضاء مبتلى بجمیع امراض البدن (طهارة الاعراق ابن مسكويه صفحه ۷۸ - گفتار فلسفی ج ۱ صفحه ۳۰)

میرویم . . . نمیخواهیم بفهمیم که برای ادامه زندگی بایستی بمقتضای طبیعت اشیاء و خودمان رفتار کنیم . . .

اگر انسان را فقط بفعالیت اقتصادیش منحصر کنند مانند آنست که قسمت بزرگی را از وی بریده باشند . بنا بر این لیبرالیسم و مارکسیسم هر دو تمایلات اصلی طبیعی را پایمال میکنند . . . اجتماعی که اولویت را تنها برای اقتصاد میشناسد بسعادت نمی گراید و هنگامی که انسان خود را در فعالیتهای اقتصادی محدود کرد از قوانین طبیعی کاملاً پیروی نمیکند (۱) . پس باید برای درک سعادت واقعی انسان بایک دید همه جانبه که کلیه جهات و تمایلات جسم و جان را در برداشته باشد به جستجو پرداخت :

اسلام و سعادت

اسلام دین وسط و آئین جامع ، انسان را با تمام خواسته های برونی و درونی ، مادی و معنوی و بالاخره با کلیه واقعیهائی که در او نهفته است نگریسته و اساس سعادت وی را بر سرشت پاک که بناکننده وجود او است برقرار کرده و خوشبختی انسان را در تکمیل همه این جهات میدانند .

از نظر اسلام کسانی که بعنوان معنویات و آخرت ، دنیا ولذائقه آنرا بکلی ترک گفته و افرادی که در راه بهره مند شدن از لذائقه مادی ، بجهات روحی پشت پا زده اند ، سعادتمند نیستند (۲) .

شیخ محمد عبده در کتاب خود مینویسد (۳) : « از قواعد مقرر در قرآن مجید اینست که پیروی از ایمان صحیح و دین حق سعادت دنیای انسانها را تأمین می کند و این مطلب هم بطور وضوح از آیات قرآنی استفاده میشود که هدف ایمان جمع بین خوشبختی دنیا و آخرت است . قرآن میفرماید :

۱ - اگر مرد روی زمین ایمان آورده و پرهیز کار باشند ، ما بر کات زمین و آسمان را بر آنها ارزانی میداریم (۴)

(۱) راه و رسم زندگی صفحه ۳۴ و ۷۷

(۲) امام صادق علیه السلام میفرمود: لیس منا من ترک دنیا و آخرت و لا آخرت

لذاتیاه «وسائل ج ۱ ص ۱۰۶»

(۳) الاسلام والنصرانیه صفحه ۷۰

(۴) سوره اعراف آیه ۹۵

۲ - ای قوم از پروردگار خود آمرزش بخواهید و بسوی او باز گردید تا بر شما باران پی در پی فرستد (۱)

۳ - هر کس که به هدایت من کردن نهاد گمراه نمیشود و تسب نمیکشد و آنکس که از یاد من روگرداند دارای زندگی ناراحت کننده ای است (۲)

اسلام و بهره برداری از لذائذ

بدعت ترک لذائذ دنیا و ریاضتهای طاقت فرسا از قدماء هند و یونان و بر اهرمه بت پرست است که اهل کتاب مخصوصاً نصاری از آنها تقلید کردند .

اما اسلام اجازه نمیدهد که انسان بطور کلی از لذائذ جهان چشم پیوشد و خود را بی جهت سختی و مشقت بیندازد .

رسول گرامی اسلام وقتی مطلع شد که عثمان بن مظعون ، عبدالله بن عمر و ابن مسعود و قدامه از خوردن و آمیزش با همسران خود و از بسیاری لذائذ کناره گرفته ، شبها نمیخوابند و روزها روزه میگیرند و چون رهبانان در صومعهها جای گزین شده و عزلت اختیار کردند ، بعد از آنکه آیه ای (۳) را که بهمین مناسبت نازل شده بود قرائت کرد ، و چنین فرمود :

من روزه میگیرم و افطار میکنم ، نماز میخوانم و میخوابم و بازنها مزاجت میکنم ، قبل از شما کسانی بودند که بهلاکت رسیدند چون مشقتهای بیجائی بر خود هموار میکردند و بقایای آنها هم اکنون در دیرها و صومعهها وجود دارد و سپس فرمود : از من نیست کسی که از زنان کناره گیرد و بعنوان ریاضت گوشت نخورد و گوشه نشینی اختیار کند .

و بکسیکه روزها روزه می گرفت و شبها عبادت میکرد چنین فرمود : این کار را نکن ، روزه بگیر و افطار کن ، نماز بخوان و بخواب برای اینکه جسم و چشم تو بر توحق دارند .

(۱) **يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (سورة**

هود آیه ۵۲) باد نظر گرفتن اینکه این آیه خطاب حضرت هود به جمعیتی که در اثر نافرمانی گرفتار عذاب خشکسالی شده بودند ، میباشد ، قابل دقت و ملاحظه بیشتر است .

(۲) **فَمَنْ اتَّبَعَ هَدَايَ فَلَا يَضِلْ وَلَا يَشْقَىٰ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا**

(سورة طه آیه ۱۲۲)

(۳) **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّحِرُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ ... وَكُلُوا مِمَّا**

رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا (سورة مائده آیه ۹۰)

(ای افراد با ایمان ، حرام مکنید پاکیزه هائی را که خدا بر شما حلال کرده ... و بخورید حلال و پاکیزه از آنچه که خداوند شماروزی داده است) .

امیر المؤمنین علی (ع) وقتیکه از تند روی عاصم بن زیاد در امور معنوی آگاه گشت با ناراحتی باو چنین فرمود :

«ای دشمن جان خود ! دچار افکار انحراف آمیز شده ای ، چرا بزن و بیجه خویش رحم نمیکنی ، تو خیال کردی خداوندی که نعمتهای خود را بر تو حلال کرده میل ندارد از آن استفاده کنی و بهره مند گردی؟ (۱) .

و خلاصه اسلام در باره اعمال علائق دنیوی و ارضاء غرائز حیوانی علاوه بر اینکه کمال موافقت را دارد آنرا با حفظ موازنه و در حدود محاسبه دقیق از عوامل خوشبختی انسانها شمرده ولی اجازه نمیدهد که انسان خود را در محیط محدود لذات و تمایلات مادی محصور کرده و از زندگی انسانی به خوردن و نوشیدن و پوشیدن قناعت کند . (۲)

و همچنین جلب لذات و ارضاء تمایلات از نظر اسلام تا اندازه ای مجاز است که مایه بدبختی و ذلت نشود و جامعه را به پلیدی و ناپاکی نکشاند .

اسلام میخواهد از راه رشد مردم با اهداف عالییه انسانی زندگی آنها را منظم سازد و در عین حال به فساد آلوده نگردند .

و اینست آن حد وسط و میزان جامعی که بر اساس سرشت انسانها استوار بوده و مسلمانان باید طرز فکر خود را نسبت بدنیا بر این مبنا پی ریزی نمایند .

(۱) نهج البلاغه

(۲) من لم یرلله علیه نعمة الا فی مطعم او مشرب او ملبس فقد قصر عمله و

دنا عذابه (سفینة البحار صفحه ۴۶۴)

سحر خیزی و مشورت

علی علیه السلام میفرماید :

«بَاكِرٍ وَاقَالِبْرَكَةٍ فِي الْمَبَاكِرَةِ وَاوَاوَا فَالنَّجْحُ فِي الْمَشَاوِرَةِ.»

«سحر خیز باشید زیرا برکت در سحر خیزی است ، و در امور خود

با دیگران مشورت کنید زیرا موفقیت و پیروزی در مشورت کردن است.»

غرر الحکم ص ۳۴۴